

ملاحظات تاریخی

عربستان احتمالاً محل اولیه سامی ها بوده است، که از چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح به بین النهرین و فلسطین مهاجرت نمودند و بعداً به آشوری ها، بابلی ها، کنعانی ها و آموری ها معروف شدند.

دوران باستان - در هزار سال اول قبل از میلاد - حکومت منائیان در منطقه ائیر و در جنوب حجاز در طول ساحل دریای سرخ برقرار شده بود. در قرن اول قبل از میلاد، منائیان از مرکز تجارت خود در ددان (الاولی) دست کشیدند. منائیان یک مرکز تجاری در قسمت شمال مدائن تأسیس نمودند. در

قسمت شرقی کشور دیلمون قرار داشت که ظاهراً یک مرکز سیاسی - فرهنگی واقع در کرانه خلیج فارس بود. گاهی این محل را همان جزیره بحرین دانسته اند اگرچه بخشهایی از قطعه اصلی نیز جزء آن بوده است و با قسمت‌های داخلی سرزمین که اکنون عربستان سعودی نامیده می شود روابط تجاری داشته است. اسکندر مقدونی قبل از مرگ نابهنگام خود در سال ۳۲۳ قبل از میلاد قصد داشت عربستان را تصرف نماید. و بعد از مدتی حاکمان بطالسه مصر تا حدودی بر ینبوع سلطه یافتند. ولی نبتائیان

مانع از سلطه آنها شدند. سپس کشور در معرض مبارزات سلطه طلبانه حبشی ها و فارسها قرار گرفت. در قرن پنجم بعد از میلاد، مکه از نظر اهمیت جایگزین شهر پترای در دوره نبتائیان شده بود.

اعراب قبل از اسلام یک زندگی بدوی داشتند و قبائل عرب که برای امرار معاش به چوپانی وابسته بودند در جستجوی آب و چراگاه از جایی به جایی کوچ می کردند. کمبود آب و چراگاه موجب

بروز رقابت و در نهایت جنگ و درگیری بین قبائل می گردید. زندگی اعراب قبل از اسلام را خشونت های اجتماعی، اخلاقی و مذهبی فرا گرفته بود و آنان برای امور و مسائل جزئی نیز دست به کشتار می زدند. برحسب فرمایش قرآن مجید این سرزمین از زمان بنا شدن خانه خدا بوسیله حضرت ابراهیم مورد توجه خداپرستان بوده است. در دوران بت پرستی نیز بتهای بزرگ در آن نگهداری می شده. این سرزمین با ظهور خاتم الانبیاء حضرت محمد (ص) مرکز پایه گذاری تمدنی بسیار عظیم و جاودان شد. در زمان حیات حضرت محمد (ص) (اولین نظام سیاسی و اجتماعی پیشرفته برقرار شد و در زمان خلفای راشدین حکومتی همراه با قوانین و مقررات بوجود آمده بود، که رونق آن در سراسر جهان شهرت یافت، نفوذ این حکومت بواسطه برخورداری از عدالت، صلح و مساوات به شرق و غرب نیز رسید اما بعدها در طی قرون مسلمانان مورد هجوم فکری قرار گرفتند. هدف مهاجمان این بود که ابتدا تعالیم اسلامی را تحریف نمایند و سپس آن تعالیم را از قلوب و اذهان مسلمانان دور سازند. و این سرزمین به دلیل ویژگیهای خاصی مانند وجود محیط وحی، خانه خدا، روضه مطهر حضرت رسول (ص)، قبله گاه مسلمین، شعب ابوطالب، کوه صفا و مروه، حجر اسماعیل و مدفن بیش از هفتاد پیامبر (ص)، قبرستان بقیع، عرفات و منی نزد مسلمین ارزش والائی دارد و همه ساله میلیونها مسلمان برای انجام حج و عمره به این سرزمین مسافرت می نمایند. خاک کشور فعلی عربستان در زمانهای پیش از ظهور اسلام (دوره جاهلیت) همواره میان دولتهای محلی و قبیله ای منقسم بود و هیچگونه قدرت واحدی حاکمیت نداشت. عربستان احتمالاً مهد نژاد سامی است. وجود این نژاد در عربستان به هزاره سوم پیش از میلاد باز میگردد. در اوائل قرن هفتم میلادی، دین اسلام بوسیله

حضرت محمد(ص) در مکه اعلام گردید. این دین در طی حیات پیامبر تقریباً در تمام عربستان رواج یافت. پس از وفات پیامبر دوره خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان و علی ابن ابیطالب) آغاز شد. در زمان ابوبکر برخی از قبایل عرب دعوی استقلال نموده و برخی کسان دعوی پیغمبری نمودند، اما ابوبکر آنان را سرکوب نموده و سراسر جزیره العرب را برای اولین و آخرین بار تحت لوای اسلام وحدت داد. پیشرفت مسلمانان در مصر در زمان عمر به سبب برقراری روابط اقتصادی و فرهنگی محکمی میان آن کشور و عربستان گردید. حین خلافت عثمان، مکه و مدینه از تجمل و ثروت فراوانی برخوردار گردیدند. در زمان خلافت علی (ع) فتنه خوارج آغاز شد. اگرچه حضرت آنرا در نهروان به سختی شکست داد (۳۸ ه. ق) ولی این گروه از میان نرفته و عربستان مدتها صحنه مساعدی برای تبلیغات آنان گردید. در زمان حکومت امویان، قسمت اعظم عربستان جزء قلمرو آنان بود. حکومت امویان تا سال ۱۳۲ هجری قمری (۶۵۰ م) بطور انجامید و از آن پس عباسیان بر آن مسلط شدند. قدرت عباسیان بر عربستان بیش از اقرن نپائید. علویان مهمترین مخالفان حکومت عباسیان بودند که پیوسته برای دستگاه حکومتی مشکل ساز می نمودند. در اواخر قرن ۲ هجری قمری (اوائل قرن نهم میلادی) علویان در عربستان قیام نموده اما کاری از پیش نبردند. از اواسط قرن دوم هجری پس از مرگ متوکل خلیفه عباسی، قدرت عباسیان در عربستان روبه زوال نهاده و عربستان بدنبال آن از حکومتهای محلی ضعیف و کوتاه برخوردار گردید. عربستان در طی چند قرن وضع مغشوش و درهم ریخته ای داشت. در اوائل قرن دهم هجری قمری (۱۶- م) ، پرتغالیها قصد حمله به مکه را نمودند که عملی نگردید. در همان اثنا، خلفای عثمانی برای دفع خطر مسیحیان متوجه عربستان شده و

بتدریج سواحل غربی و سایر نقاط کشور تحت حکومت عثمانیان درآمد. در قرن هفدهم میلادی قبایل عرب در عربستان شرقی قدرت یافته و قدرت عثمانی روبه زوال نهاد. در اواسط همان قرن حاکمیت ترکان بر ناحیه احساء نیز برافتاد. در قرن هجدهم میلادی باتوسعه نهضتی که شخص بنام ابن عبدالوهاب (بنیانگذار مذهب وهابی) الهام بخش آن بود، عصر جدیدی در تاریخ عربستان آغاز گردید. وی با حاکم شهر درعیه بنام محمد ابن سعود متحد شد. پس از ابن سعود، فرزندش عبدالعزیز جانشین وی در اتحاد با ابن الوهاب شد. در اوائل قرن سیزدهم هجری (۱۸ - م) آئین وهابی در تمام قسمتهای ناحیه نجد رایج بود. وهابیان به تدریج مکه را تصرف کرده و کمی بعد قدرتشان از سمت شرق تا کرانه های خلیج فارس پیش رفت. از جانب جنوب، وهابیها به یمن و حضرموت رسیده و از جانب شمال سوریه و عراق در معرض تهدید آنان واقع گردیدند. دولت عثمانی که از مقابله با وهابیون عاجز بود به مصر متوسل گردید و مصریان در عربستان قوا پیاده نموده و پیشروی نمودند. بریتانیائها نیز در برخی نقاط مداخله نمودند اما چندی بعد مجدداً آل سعود سر برافراشته و با تصرف ریاض آن را پایتخت خود معرفی نمودند. در این اثنا بود که جنگ داخلی میان خاندان آل سعود آغاز شده و شدت گرفت که این امر استقرار مجدد عثمانی و دست نشاندهگان آن بر عربستان شرقی را تسهیل نمود. با افتتاح کانال سوئز در سال ۱۹۶۹ میلادی، عثمانیها بر قدرت خود بر مکه افزودند. معذک آل سعود تحت رهبری عبدالعزیز ابن سعود قدر برافراشته و به فتوحاتی نایل آمدند. در سال ۱۹۰۳ میلادی ترکان عثمانی از ناحیه احساء بیرون رانده شده و اساس حکومت سعودی بنیان نهاده شد. در جنگ اول جهانی، سعودیها با بریتانیا از در دوستی درآمدند. پس از پایان جنگ جهانی، سلطه عثمانی بر عربستان

بطور کلی پایان یافت. در جنگی که میان عبدالعزیز ابن سعود و حسین ابن علی، شریف مکه در گرفت، ابن سعود به پیروزی دست یافت و بدین ترتیب حجاز نیز جزئی از قلمرو وی شد که سرانجام در سال ۱۳۵۱ هجری قمری (۱۹۳۲ - م) عبدالعزیز عنوان سلطان عربستان سعودی را از آن خود نموده و به موازات آن کشور عربستان تأسیس شده و رسمیت یافت. در اوائل تنها ممالک خارجی که سعودیها با آن رابطه داشتند ترکیه و بریتانیا بود. شوروی نخستین کشوری بود که این کشور را به رسمیت شناخت. انگلستان و فرانسه نیز کمی بعد آن را به رسمیت شناختند. مسئله تثبیت مرزها با همسایگان یکی از مشکلات عربستان پس از استقلال بود. در جنگ جهانی دوم، ابن سعود با آنکه طرفدار دول متفق بود، بیطرفی خود را اعلام نموده و تنها از روی بی میلی به آلمان اعلان جنگ داد. ثروت ناگهانی که پس از جنگ از طریق نفت فراهم شد به اقتصاد عربستان رونق بخشید. عربستان سعودی هم اکنون دومین تولیدکننده نفت در جهان است. از آنجاییکه عربستان سعودی از عهده استخراج نفت بر نمی آمد، از این روی صدها هزار کارگر و متخصص از دیگر کشورها به این سرزمین سرازیر شدند که این امر خود موجب گردید که معیارهای خشک اخلاقی حاکم بر جامعه عربستان متزلزل شده و دگرگونیهایی در آن ایجاد گردد. ابن سعود در سال 1953 میلادی در سن ۷۳ سالگی درگذشت، پسرانش سعود ابن عبدالعزیز به سلطنت رسید و برادر وی فیصل ولیعهد گردید. در این اثنا، ازدیاد پول در زندگی اشراف و خاندان سلطنتی روزبه روز نمایان تر میگشت. عبدالعزیز ابن سعود تا زمان مرگش کاملاً بر سیاست مملکت تسلط داشت، اما پس از وی پیوسته میان فیصل و سعود رقابت مخفی برقرار بود. در بحران سال ۱۹۵۶ میلادی کانال سوئز، عربستان سعودی با انگلستان قطع

رابطه کرد و این حالت تا سال ۱۹۶۳ میلادی ادامه داشت. در سال ۱۹۵۸ میلادی سعود ناچاراً طی فرمانی قوه مجریه را به دست فیصل سپرد. بعدها فیصل ناگزیر استعفاء نموده و سعود خود دوباره بر اوضاع مسلط گردید. طی سالهای ۶۳-۱۹۶۲ میلادی باردیگر فیصل عهده دار امور کشور گردید. سرانجام در دوم ماه نوامبر سال ۱۹۶۴ میلادی، ملک سعود از کار برکنار شده و فیصل پادشاه کشور شد. از سال ۱۹۶۲ میلادی که سپاهیان مصری به یمن اعزام شدند، اختلاف میان مصر و عربستان سعودی حادثر شد. طی سالهای دهه ۶۰، بارها مذاکراتی میان دو کشور بر سر یمن صورت گرفت اما نتیجه ای حاصل نشده و سوء تفاهم به قوت خود باقی ماند. از همان سالها نفوذ استعمار در عربستان شدت گرفته و این کشور به یکی از اصلی ترین مهره ها غرب در منطقه مبدل گردید. طی جنگ سال ۱۹۶۷ میلادی اعراب و اسرائیل، نیروهای سعودی برای مدد رساندن به ارتش اردن به آن سرزمین گسیل داشته و جریان نفت به غرب موقتاً قطع گردید. این عمل مجدداً در جنگهای سال ۱۹۷۳ میلادی نیز میان طرفین تکرار شد. در سال 1975 میلادی ملک فیصل به دست یکی از بستگان خود به قتل رسید، برادرش خالد بجانشینی وی رسید و فهد ابن عبدالعزیز، دیگر پسر ابن سعود نیز به عنوان ولیعهد عربستان معرفی شد. عربستان سعودی در میان اعراب رهبری کشورهای میان رو و محافظه کار وابسته به غرب را داراست. صدور نفت فراوان از این کشور همواره برگ برنده ای در دست غرب در مقابل کشورهای مترقی صادرکننده نفت بوده است.

پس از سقوط رژیم پهلوی در ایران، از سال ۱۹۷۹ میلادی، عربستان به مهره اصلی طرفدار امریکا در منطقه خلیج فارس تبدیل گردیده است. در سال ۱۹۸۱ میلادی، شاهزاده فهد طرحی را برای برقراری صلح در خاورمیانه ارائه داد که مورد قبول ملل مسلمان و دول مترقی منطقه بخصوص ایران، سوریه و لیبی قرار نگرفت و در اجلاسیه رهبران کشورهای عضو اتحادیه عرب نیر رد شد. با مرگ خالد در سال ۱۹۸۲، فهد به پادشاهی عربستان رسید.

اقوام و نژاد

در عصر جاهلیت، مردمانی در شبه جزیره عربستان سکونت داشتند که به طور کلی عرب نامیده و به دو دسته اعراب قحطانی و عدنانی تقسیم می شدند. این دو، از نظر تاریخی، ریشه مشترک دارند ولی عدنانیان در سلسله نسبت خود به حضرت ابراهیم (ع) می رسند و در نجد و حجاز بودند، اما عربهای قحطانی به یمن رفتند. این افراد تابع حکومتی نبودند و اساس ملیت آنان قبیله ای بود و اعضای هر قبیله از شیخ قبیله اطاعت می کردند. عصیت جاهلی و قبیله گرایی افراطی افراد را به جان هم می انداخت و گاهی بر سر مسائل جزئی، جنگی چون نبرد بوس ۴۰ سال طول می کشید. خونریزی، قساوت، غارت و تجاوز از برنامه های این قبایل بود. گرچه صحرانشینی و بیابانگردی پیشه عربها بود اما زندگی شهری به شکلی ضعیف در یمن، عدن، حضر موت، حجاز، یثرب و طائف دیده می شد. به لحاظ عقاید مذهبی، گروه کوچکی بدون آنکه آداب و رسوم خاصی داشته باشند به خدای یکتا

و آئین ابراهیم) ع) که دین حنیف نامیده می شد، معتقد بودند. در این کشور چند ملیت و قبیله با سنتهای متفاوت حضور دارند:

"نجدیها که در مرکز عربستان قرار دارند و خاندان سعودی هم از همین منطقه هستند."

"حجازیها که اهالی شهرهای مکه، مدینه و جده را شامل می شوند؛ به اعتقاد خاندان آل سعود حجازیها به لحاظ اینکه بازمانده های زائران عتبات عالیات هستند، شایستگی پذیرش مسئولیت های دولتی را ندارند؛ و به همین علت کمتر در ارکان دولتی صاحب مقام و منصب هستند."

"آسوریها که اقلیتی ناچیز را تشکیل می دهند، بیشتر در حوالی مرزیمین و در منطقه کوهستانی جنوب غربی سکونت دارند."

نژاد مردم عربستان سفید پوست می باشد که از تیره سامی ها می باشند. بافت اجتماعی عربستان حاکی از تضاد شدیدی است که اگر جامعه عربستان را به مثابه هرمی در نظر بگیریم به ترتیب عبارتند از: شاه، شاهزادگان تکنوکراتها، ثروتمندان و بالاخره طبقه متوسط و توده مستضعف در آخرین قسمت هرم قرار دارند. این امر ناشی از ناسازگاری طبقاتی در بین اقشار و توده های مختلف در این کشور می باشد و بیشترین فشار اجتماع نیز بر قشر متوسط وارد می گردد.

ملاحظات جغرافیایی

کشور عربستان با ۶۹۰، ۱۴۹، ۲ کیلومتر مربع وسعت (دوازدهمین کشور جهان) در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی، در جنوب غربی آسیا، در منطقه خاورمیانه، در میان خلیج فارس و دریای سرخ، در شبه جزیره عربستان و در همسایگی کشورهای کویت، عراق، اردن در شمال، یمن در جنوب، امارات متحده عربی و قطر در شمال شرقی و عمان در شرق واقع شده است. این کشور حدود شبه جزیره عربستان را در بر گرفته و بر روی هم سرزمینی پوشیده از فلاتها و بیابانهای وسیع است. کوههای آن عمدتاً در نواحی غربی کشور به موازات دریای سرخ کشیده شده اند که از جمله مهمترین آنها می توان از سلسله کوههای سراه، جبل شمر، جبل طویق، جبل الطبیق نام برد. از جمله صحراهای کشور عربستان نیز می توان بیه نفوذ و ربع الخالی اشاره نمود. گفتنی است که بخشی از صحرای سوریه (بادیه الشام) نیز در شمال این کشور قرار دارد. رودهای کشور عربستان تماماً فصلی و یا اتفاقی میباشند. آب و هوای کشور در نواحی ساحلی گرم و مرطوب و در سایر نواحی گرم و خشک و کم باران است. بلندترین نقطه آن حدود ۱۳۳، ۳ متر ارتفاع دارد. پادشاهی عربستان سعودی در سال ۱۹۳۲ پایه ریزی شده و حدود ۴/۵ شبه جزیره عربستان را در بر می گیرد. این کشور از غرب با دریای سرخ، از شمال با اردن، عراق و کویت، از شرق با خلیج عرب، قطر، امارات متحده عربی و عمان و از جنوب با یمن هم مرز است. عربستان سعودی کشوری اسلامی است که در آن «شریعت» که قانون مقدس اسلام است زیر بنای چهار چوب شرع و زیر بنای قانون اساسی است. برداشت وهابی از مذهب سنی اسلام دین رسمی کشور است که به دقت اجراء می گردد.

ویژگیهای اقلیمی

آب و هوا

آب و هوای عربستان عموماً خشن و ناسازگار است. دمای هوا در طول روز بالاست و غالباً تغییر آب و هوا طی روز شدید است. آسمان معمولاً چنان صاف و روشن است که خورشید بشدت می تابد و گرما و نور از سطح سنگها و ماسه های خشک منعکس می شود. آفتاب، صاف و سوزنده است. وزش بادهای سوزان، گردباد و سراب در طی روز چندین بار اتفاق می افتد. در شب هوا معتدل و اغلب سرد است و شدت تابش نور ماه و ستاره به شب جلوه خاصی آسمان می دهد. بارندگی در همه جای شبه جزیره کم و از سالی به سال دیگر بسیار متغیر است. این سرزمین در معرض خشکسالیهای ادواری است که ممکن است از ده تا سی سال طول بکشد. با این وجود، حتی ریزش کمی باران می تواند سیلهای تند و ویرانگری را در وادیها جاری کند و دشت را به یکباره سراسر سبز نماید.

با وجود این شباهتهای اقلیمی، در سراسر منطقه، چند نوع آب و هوای مشخص وجود دارد. سواحل دریای سرخ و خلیج فارس آب و هوای کاملاً استوایی دارد و مشخصه آن رطوبت زیاد و طاقت فرسایی (بین ۶۰ تا ۸۰ درصد) است که از بادهای ساحلی و بارندگی ناچیز ۸ میلیمتر در سال ناشی می شود. در کوههایی که در قسمتهایی از غرب، جنوب غربی و جنوب شرقی شبه جزیره واقع است، آب و هوا معتدلتر می باشد. کوههای غربی اغلب یخ و برف دارد. با این وجود میزان بارندگی از ۵۰۰ میلیمتر تا بیشتر از ۷۵۰ میلیمتر تغییر می کند.

ارتفاعات غربی

نام این منطقه جبال سروات است که از خلیج عقبه در شمال شروع و به منطقه حجاز و عسیر در جنوب ختم می شود. بین این کوهها و ساحل دریای سرخ، دشت باریکی بنام تهامه قرار دارد.

نجد

ارتفاعات مرکزی عربستان سعودی در آن واقع شده و در رشته کوهی بنام شمر و عارفی از شمال به جنوب در آن امتداد دارد این منطقه قسمت اعظم کشور سعودی را تشکیل داده و در مرکز شبه جزیره

عربستان واقع شده است.

صحرای نفوذ در شمال عربستان سعودی واقع و مرکب از تپه های شن سرخ است.

صحرای الدهناء

این منطقه بین صحرای ربع خالی در جنوب و صحرای نفوذ در شمال واقع شده است. صحرای دهنا

یا ربع خالی، دشت وسیعی از ریگ سرخ است که تمام قسمت جنوب شرقی عربستان را در بر گرفته و

۸۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد.

منطقه احساء

در ساحل شرقی خلیج فارس واقع شده که بعضی از قسمتهای آن بلعت وجود چشمه های آب شیرین قابل کشت و زرع است.

تقسیمات کشوری

ریاض

مرکز حکومت، مقر وزارتخانه ها، مؤسسات مرکزی دولتی و سفارتخانه ها می باشد و این شهر زیبا را مروارید صحرا می خوانند و مساحت آن ۱۶۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن بیش از دو میلیون نفر است. ریاض دارای دو دانشگاه بنام ملک سعود و دانشگاه تخصصی نظامی و امنیتی می باشد.

شهرداری ریاض دارای ۱۷ شعبه می باشد و با مشکل کمی آب شرب و قابل استفاده روبروست، البته با توجه به این موضع که جمعیت شهر ریاض افزایش قابل توجه ای داشته از طرف دولت سعودی اقداماتی برای تأمین آب شرب، صورت گرفته است از جمله حفر چاههای عمیق و استفاده از چاههای سابق ریاض دارای کارخانجات سیمان، گچ، پلاستیک، آلومینیوم، کبریت سازی و ایستگا رادیویی و تلویزیونی مستقل است و در روستاهایی اطراف شهر مردم به کشاورزی مشغولند و محصولات آنها علاوه بر خرما، سبزیجات و میوه نیز می باشد.

جده

جده بعد از ریاض بزرگترین شهر و بندر اصلی عربستان سعودی در دریای سرخ است دارای دو فرودگاه بین المللی (ملک عبدالعزیز و اسلامی) است که محل ورود اکثر زائران حج می باشد که از

طریق هوا و دریا به این کشور می آیند. مساحت این شهر ۱۲۰۰ کیلومتر مربع و دارای جمعیتی بیش از یک و نیم میلیون نفر می باشد؛ از نظر صنعتی و تجاری فعال بوده و دانشگاه ملک عبدالعزیز در آن واقع است. یکی از مهمترین ویژگیهای شهر جده که آنرا عروس دریای سرخ می نامند- جنبه گردشگری آن است؛ چشمه ملک فهد (در ساحل دریای سرخ) که آب به ارتفاع ۲۶ متر از سطح دریا می رسد، یکی از زیباترین مناظر (بخصوص در شب) می باشد و دارای یک جاده باریک به طول ۸۰ کیلومتر در طول ساحل دریای سرخ است. آب و هوای این سرزمین در تمام فصلهای سال گرم و مرطوب است.

مدینه منوره

مدینه در ۵۰۰ کیلومتری شمال مکه، در زمین همواری بین دو کوه (احد و عیر) قرار گرفته و آب و هوای گرم و خشکی دارد. این شهر در عصر جاهلیت یثرب نام داشت که با ورود پیامبر اکرم (ص) بدان، مدینه النبی نام گرفت. کوه احد در شما مدینه قرار دارد. کوههای طی در مشرق و کوه عیر در جنوب آن واقع است. این شهر راشش دره از اطراف احاطه کرده، که مشهورترین آنها دره العقیق است.

مکه معظمه

قبله گاه مسلمانان سراسر جهان و دارای اماکن مقدس بسیاری می باشد.

طائف

طائف تنها عربستان سعودی است که آب و هوای معتدل دارد و بهمین جهت ییلاق این کشور محسوب می شود دارای محصولات کشاورزی متنوع بوده و میوه آن معروف است. از جمله مناطق زیبای طائف منطقه هدی و منطقه شفا است که بدلیل مرتفع بودن آب و هوای بهتری دارد.

بریده

در واسط نجد واقع گردیده و شهر عنیزه نزدیک آن است. بریده و عنیزه هر دو دارای هوای معتدل و دشتهای حاصلخیز کشاورزی هستند و بازارهای عربستان سعودی از محصولات این دو شهر استفاده می کنند .

دهران (ظهران)

این شهر مرکز شرکت نفت عرب و آمریکا (آرامکو) می باشد و شامل خانه های کارمندان و کارگران است.

ملاحظات سیاسی

حکومت کشور عربستان پادشاهی است. در عربستان قانون اساسی مدون و رسمی وجود نداشته و قوانین و مقررات مدون سال ۱۹۲۶ و همچنین مصوبات سال ۱۹۵۳ و اصلاحات بعدی رویهم پایه های اصلی قانون اساسی کشور را تشکیل میدهند. در این کشور مجلس قانونگذاری وجود نداشته و هیئت وزیران انتصابی که عمدتاً از میان شاهزادگان انتخاب می شوند نوعی واحد قانونگذاری را تشکیل میدهند. براین اساس، فعالیت احزاب در عربستان ممنوع است، با این حال چند گروه ضد دولتی به فعالیت

مخفیانه مبادرت می نمایند. عربستان سعودی در سال 1932، از انگلستان مستقل شده و روزملی آن برابر بادوم نوامبر است. این کشور طی سال 1945 به عضویت سازمان ملل درآمده و علاوه بر آن در سازمانهای اتحادیه عرب، کنفرانس اسلامی، اوپک، آووپک، اکوا، فائو، یاآ، بانک جهانی، ایکائو، آیدا، ایفک، ایلو، ایمکو، ایمف، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، ومو، شورای خلیج و کشورهای غیر متعهد نیز عضویت دارد. در سال ۱۹۵۳ وقتی پادشاه عبدالعزیز (ابن سعود) درگذشت، پسرش سعود جای او گرفت.

وی نیز در سال ۱۹۶۴ جای خود را به برادرش «فیسال» داد. پس از ترور فیسال توسط برادر زاده اش در سال ۱۹۷۵، خلید برادر ناتنی وی به پادشاهی رسید. مرگ او در سال ۱۹۸۲ فهد، برادر ناتنی خلید، را روی کار آورد. کشور عربستان از قسمتهایی متشکل گردیده که هر قسمت زیر نظر یک «امیر» اداره گردیده و این «امرا» هستند که پاسخگوی پادشاه کشور می باشند. پادشاه رئیس رسمی کشور است که مسئولیت خود را به کمک شورای وزیران به انجام می رساند. تا پیش از سال ۱۹۹۲، کلیه قوانین توسط پادشاه و شورای وزیران تصویب میگردید و این در حالیست که در مارس سال ۱۹۹۲، پادشاه طرحی تحت عنوان «شیوه رهبری» به عنوان نخستین قانون مکتوب عربستان ارائه داد. با وجود این «قرآن» همچنان مهمترین مرجع اتخاذ تصمیمات ملی محسوب میگردد.

در سیستم جدید حکومتی کشور، مجلسی تحت عنوان «مجلس شورای» متشکل از ۶۰ عضو تشکیل یافته است. هر «امیر» نیز از شورای مشاوره ۱۰ نفره برخوردار است که در اتخاذ تصمیمات یاریش می

نمایند. در کشور عربستان بیش از ۱۵۰۰ پرسنل وجود دارد که کلیه «امیرها» توسط این اعضاء انتخاب می گردند. انتقاد آشکار از حکومت به هیچ عنوان پذیرفته نیست. در سال ۱۹۳۸، مشخص گردید که منابع عظیم نفتی در کشور وجود دارد. توسعه این امکانات پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ آغاز شد.

سرمایه نفتی باعث پایداری و ثبات اقتصادی کشورهای سالهای متمادی گردید. در کنار آن شرایط سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ (بروز انقلاب ایران) باعث ذخیره سرمایه زیادی برای این کشور گردید. سرمایه نفتی این کشور بعلاوه باعث توجه بین المللی به این کشور گردیده است. در دهه ۱۹۷۰، پس از افزایش قابل توجه قیمت نفت، عربستان توانست کشورهای غربی را برای مقابله بانفت غیر عرب استوارتر کند. در سال ۱۹۹۰، پس از حمله عراق به کویت و تهدید عربستان سعودی، این کشور به میزبانی هیئتی با عنوان هیئت آزادی کویت مبادرت نمود. در طول و پس از جنگ خلیج فارس تقاضای آزادی سیاسی و اجتماعی مردم افزایش یافت که در نتیجه آن در سال ۱۹۹۲ تغییرات اندکی در سیاست های کشور اعمال گردید.

ساختار حکومتی

پیش از اسلام، عربها زندگی آشفته و بی سامانی داشتند. نه آئین واحدی داشتند و نه به قوانین اخلاقی پایبند بودند. کشتار و چپاول یکدیگر در میانشان رواج داشت و در فقر شدید اقتصادی و فرهنگی به سر می بردند. حضرت محمد (ص) با آوردن قوانینی مقدس زندگی تازه ای را برای آنان بنیانگذاری

کرد. این کار به دست خلفای بعدی تکامل یافت و زندگی مسالمت آمیز جای درگیریهای قومی و قبیله ای را گرفت.

بنابراین عقیده سنیان خلفای راشدین سنت پیامبر (ص) را دقیقاً رعایت کردند و با خدمات بی دریغ خود نهالی را که پیامبر اکرم (ص) کاشته بود بارور ساختند. از معاویه به بعد شیوه خلافت دگرگون گشت و خلفای بنی امیه و بنی عباس ریاست و حکومت متجملانه و پرزرق و برق را جایگزین رهبری ساده و آمیخته با معنویت خلفای راشدین ساختند. رشیدیها که تا سال ۱۸۷۰ م در حجاز قدرت روزافزون داشتند. در برابر سپرده الهسا و نواحی ساحلی آن به ترکها توانسته بودند، روابطی دوستانه

با ایشان داشته باشند. محمدبن رشید توانست در سال ۱۸۹۱ بر ریاض پایتخت سعودی دست یابد- اما خاندان سعود توانستند فرزند ده ساله خود عبدالعزیز را برداشته و به کویت فرار کنند . عبدالعزیز همچنان که رشد می یافت مسائل حجاز و به دست آوردن میراث پدری را به یاری انگلیسیها از نظر دور نمی داشت. سرانجام هنگامی که عبدالعزیز به سن بیست سالگی رسید توانست از یک فرصت مناسب استفاده کرده و با دویست هم‌رزم فدائی وارد ریاض شود و بر اقامتگاه رشیدی ها

دست یابد. عبدالعزیز با تصرف جایگاه پیشین پدر در ۱۹۵۲ م موقعیتی تازه بدست آورد و بعدها توانست جنبش اخوان را نیز بنیان گذاری کند. این گروه که عمدتاً از یک سازمان چریکی تشکیل می شد. موفق شد با فتح ها در ۱۹۱۳ م همراه با یاران وهابی خویش راهی به سوی خلیج فارس و هندوستان که مستعمره انگلیس بود، باز کند. در این احوال جنگ جهانی اول به خاورمیانه کشانده شده

بود و عبدالعزیز دو رقیب عمده را در برابر می دید، در شمال ابن رشید فعالیت داشت و در حجاز حسین بن علی حسین بن علی که از خانواده هاشمی بود، نقشه وحدت عرب را در سر می پروراند. ملیون عرب که آن زمان در شهرهای مهمی چون قاهره، بیروت، دمشق، بغداد و کویت پراکنده بودند، چشم امید به حسین بن علی دوخته بودند و به او بعنوان جانشین حضرت محمد (ص) می نگریستند انگلیسی ها که نخست در جنگ با عثمانی ها به یاری عبدالعزیز بن سعود چشم داشتند موقعیت حسین بن علی را بهتر دانسته از هر جهت به تقویت او پرداخته بودند. رابطه دوستانه او با نیروهای انگلیسی تا آنجا تحکیم یافت که دولت انگلیس، استقلال مشروطه حکومت این امیر را در 1914م تعهد و تضمین کرد. حسین بن علی در سال ۱۹۱۶ م بنام پادشاه حجاز بر نیروهای عثمانی در مدینه حمله برد از این گذشته حسین خود را سلطان اعراب نیز نامید ولی این عنوان مورد پذیرش هیچ یک از دو دولت انگلیس و فرانسه قرار نگرفت. ترکان عثمانی که تاکنون از سوی عربستان و صحرانشینان آسوده خاطر بودند، حال با اقدامات حسین و فرزندش فیصل که در کنار لاورنس با چریکهای عرب بر قوای عثمانی حمله می برد، با مشکل تازه ای روبرو شدند. ((عبدالعزیز بن سعود)) در سال ۱۹۲۱ م جنگهای خود با ابن رشید را از سر گرفت و مرکز حکومت وی هایل را به دست آورد و بدین ترتیب بر مرکز و شرق عربستان تسلط یافت. در سال ۱۹۲۶ م ابن سعود در حجاز قدرت مطلقه را بدست آورد و دولت عربستان رسماً در ۱۹۳۲ م تأسیس شد. سعودی ها در فوریه ۱۹۴۵ م رسماً به آلمان اعلان جنگ دادند و آمریکائیان پس از پایان جنگ فرودگاه بسیار پیشرفته ای در ظهران عربستان ساختند و حق استفاده از آن پایگاه هوایی را برای خود حفظ کردند. پس از عبدالعزیز

فرزندش سعود به سلطنت رسید و ملک سعود خوانده شد از جمله اقدامات وی می توان تأسیس دانشگاه ریاض را نام برد. ملک سعود با هه حسن رابطه ای که با غرب داشت در جریان جنگ سوئز نفت را بر روی انگلستان بست. ملک سعود در نوامبر ۱۹۶۴ م از سلطنت کناره گرفت و برادرش فیصل جانشین او گردید. در سال ۱۹۶۷ م که جنگ اسرائیل و کشورهای عربی آغاز شد عربستان لوله های نفت خود را بر روی کشورهای پشتیبان اسرائیل بست. در بهار ۱۹۷۵ م شاهزاده فیصل بن مساعد با شلیک چند گلوله در سنیه عمومیش (ملک فیصل) او را در دم کشت. پس از ملک فیصل برادرش خالد به سلطنت رسید و برادر دیگرش فهد بعنوان ولی عهد تعیین گردید. پادشاه جدید دوره سلطنت خود را با اعلام یک عفو عمومی در مورد کلیه زندانیان و تبعید شدگان سیاسی آغاز کرد. ((خالد بن عبدالعزیز)) از سال ۱۹۷۵ م تا ۱۹۸۲ م سلطنت کرد و در این سال درگذشت.

((فهد بن عبدالعزیز)) بعد از درگذشت برادرش خالد به سلطنت رسید و پادشاه فعلی کشور است وی برادرش عبدالله بن عبدالعزیز را بعنوان معاون دوم هیئت وزیران و وزیر دفاع منصوب ساخت. بنابراین عربستان سعودی تنها کشوری در جهان است که دو امیرزاده بعنوان دو ولیعهد برای یک کشور تعیین شده اند. زیرا در عربستان، معاون دوم هیئت وزیران در حکم ولیعهد آینده و بالقوه بغیراز ولیعهد فعلی می باشد.

احزاب سیاسی

اکنون سه جناح اصلی برای بدست گرفتن قدرت، کسب نفوذ بیشتر و قبضه کردن مراکز حساس حکومت به مبارزه سخت مشغول می باشند. بارزترین این جناحها السدیرین شامل؛ پادشاه، وزیر دفاع و برادران تنی آنان می باشد. و دیگری جناح ولیعهد شامل برادران وی به نام المتضررون (زیان دیده ها) معروفند می باشند. اما جناحهای مذکور که به شدت بر سر قدرت با هم در مبارزه می باشند، هنگامیکه خانواده و سلطنت در معرض خطر قرار می گیرد به یکباره اختلافهای قدیمی خود را در کنار گذاشته با هم متحد می شوند. این امر بیش از یکبار از جمله در زمان ملک سعود، قیام کعبه در سال ۱۴۰۰ م و تلاشهای افسران برای سرنگونی رژیم اتفاق افتاده است. مسأله دیگر که به همبستگی خانواده حاکم منجر می گردد وجود چهارهزار شاهزاده می باشد که تمام مسئولیتها و مراکز قدرت را در اختیار خود گرفته اند. برای مثال تمام وزارتخانه های مهم از قبیل؛ دفاع، خارجه و کشور بوسیله شاهزادگان اداره می شود. همچنین ریاست شورای عالی در وزارتخانه های خدماتی نیز بعهده آنهاست. شورای عالی تبلیغات و نفت سیاست کلی وزارتخانه ها را تعیین کرده، نیروی کار را در دانشگاهها، فرماندهی عملیات در بخشهای مختلف نیروهای مسلح و پایگاههای نظامی در اختیار دارند. از این جهت میتوان گفت خاندان سلطنتی آل سعود گسترده تر از یک حزب سیاسی و نسبت به حزب از همبستگی بیشتری برخوردارند و بر تمام مراکز دولت شرقی و غربی کشور تسلط دارند.

قانون اساسی

تا مارس سال ۱۹۹۲ م عربستان قانون اساسی مکتوب نداشت. ولی از آن تاریخ بموجب یک حکم سلطنتی، طرحی حاوی حقوق تهیه و اختیارات حکومتهای استانها افزایش یافت. قانون اساسی

عربستان سعودی بنابر ادعای رژیم سعودی کاملاً بر مبنای قرآن مجید قرار دارد که بر آخرین پیامبر او حضرت محمد (ص) نازل شده است. بنابراین ادعا، کلیه قوانین و مقررات در این کشور با الهام از فقه اسلامی تنظیم گردیده است.

ویژگیهای قوای سه گانه

از ویژگیهای حاکمیت آل سعود نسبت به دیگر رژیم های جهانی نداشتن سیستم اداری مشخص و تعیین شده برای دولت و حاکمیت می باشد. رژیمها حکومتی در جهان معمولاً با سه قوه کشور خود را اداره می کنند که عبارتند از قوه مقننه، مجریه و قوه قضائیه، ولی قوای سه گانه در رژیم سعودی در یک قوه و ارگان که همان قوه اجرایی می باشد؛ خلاصه شده است.

قوه مجریه

شخص پادشاه، خود نخست وزیر، فرمانده کل نیروهای مسلح، رئیس شورای عالی دانشگاهها، رئیس شورای عالی نفت و رئیس دانشگاه اسلامی مدینه منوره می باشد. شورای وزیران مأمور تصویب قوانین، لوایح و در عین حال قوه اجرائیه و اداره کننده امور مملکتی نیز می باشد شورای وزیران از دو جناح تشکیل می شود؛ جناح اول شامل شاهزادگان و وزیران وابسته به خاندان سلطنت جناح دوم شامل وزیران غیروابسته به خانواده سلطنت که بیشتر در وزارتخانه های خدماتی مشغول می باشند، در جناح مذکور (غیرسلطنتی) وزیران شباهت زیادی به کارمندان دارند که دستورها را بدون هیچگونه اختیار فردی انجام می دهند.

قوه قضائیه

به ادعای رژیم سعودی، قوه قضائیه در عربستان بر مبنای شریعت قرار دارد که از قرآن (کتاب مقدس اسلام) و احادیث حضرت محمد(ص) اتخاذ شده است. سیستم قضایی وابسته به خانواده سلطنتی و خانواده آل شیخ (علماء وهابی) می باشد و مراجع قضائی عبارتند از :

1- مجلس القضاء الاعلی - (دیوان عالی)

2- محکمه التمییز - (دادگاه عالی)

3- المحکمه العامه - (دادگاه محلی)

4- المحکمه الجوزیه - (دادگاه ویژه)

تعداد اعضای دیوان عالی یازده نفر است که در آن پنج نفر قضات دائمی و شش نفر بعنوان قاضی موقت انجام وظیفه می کنند. انتصاب افراد در سمت های مذکور زیر نظر شخص شاه می باشد و ارشد آنها رئیس است. کلیه دادگاهها زیر نظر دیوان عالی کشور هستند و با توجه به اختیاراتی تعیین شده، وظایف زیر را بعهده دارند:

1- تهیه گزارش برای وزیر دادگستری در مورد تصمیماتی که در زمینه شریعت اتخاذ کرده اند.

2- بررسی مسائلی که از طرف شاه منتقل شده باشد.

3- ارائه پیشنهاد در مورد امور قضائی بعد از درخواست از طرف وزیر امور دادگستری

4- تجدید نظر در مورد مجازات اعدام - بریدن دست و رجم (سنگسار کردن).

رای اکثریت در دیوان عالی قابل اجرا می باشد ولی اگر جلسه ای به منظور تجدیدی نظر در مورد مسائلی از قبیل رجم، بریدن دست و اعدام باشد، لازم نیست که همه اعضا در جلسه حضور داشته باشند و در صورت غیبت یکی از اعضا وزیر دادگستری یکی از اعضا موقت دادگاه مذکور را بعنوان عضو دائمی معرفی می کند.

اصلاحات سیاسی

ملک فهد پادشاه عربستان سعودی، انتصاب ۲۰۰ نفر را برای نمایندگی مجالس محلی در سرتاسر کشور تأیید کرد. آگاهان سیاسی انتصاب نمایندگان مذکور را به عنوان بخشی از اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی دانستند که از سال ۱۹۹۳ م آغاز شد. انتصاب این ۲۰۰ نماینده برای ۱۳ مجلس محلی و یک دوره چهارساله صورت پذیرفته است. به گزارش خبرگزاری دولتی عربستان سعودی، تصویب ملک فهد در نامه ای به شاهزاده نایف، وزیر کشور، ابلاغ شده است. فهد برای هر یک از دو مجلس محلی ریاض، پایتخت کشور، شهر مقدس مکه ۲۰ نفر و برای مدینه منوره ۱۰ نفر را تعیین کرده است. برای هر یک از مجالس محلی دیگر نیز ۱۵ نماینده تعیین شده است. ملک فهد در سپتامبر ۱۹۹۳ م یعنی یکماه پس از تعیین ۶۰ نفر برای نمایندگی مجلس مشورتی شورا، مجالس محلی را در ۱۳ استان این کشور تشکیل داد. تشکیل مجلس مشورتی شورا در عربستان سعودی برای نخستین بار ظرف ۶۰ سال

گذشته و بعنوان بخشی از اصلاحات سیاسی که مدت ها از وعده آن می گذشت، انجام شد. در سال ۱۳۷۶ ه ش ملک فهد اعضای شورا را به ۹۰ نفر افزایش داد و عضویت شورا را به افسران شاغل و بازنشسته، مقامات ارشد دولتی، مدیران بازرگانی و نمایندگان شیعه، گسترش داد. اعضای شورا به منظور شروع کار نشست چهارساله دوم این مجلس، در مقابل ملک فهد سوگند یاد کردند. این شورا صرفاً وظیفه مشورتی دارد و سیاست گذاری در عربستان سعودی همچنان در دست دولت است که عمدتاً تحت تسلط اعضای خانواده حاکم آل سعود، قرار دارد.

ملاحظات اقتصادی

از جمله مهمترین بنادر عربستان میتوان از بنادر جدّه در ساحل دریای سرخ و بندر ظهران در ساحل خلیج فارس نام برد. از جمله مهمترین صنایع کشور میتوان از صنایع نفت، صنایع الکتریکی، فلزکاری، سیمان، آهن و فولاد و کودشیمیایی نام برد. خرما، گندم، جو، قهوه و سبزیجات نیز مهمترین محصولات کشاورزی و دامپروری کشور را تشکیل میدهند. سرانه زمین مزروعی برای هر نفر بر ۰/۸ هکتار میباشد. تولید سالانه گوشت گاو ۰،۰۰۰ تن، گوشت گوسفند ۰۰۰، ۳۵ تن و صید ماهی ۰،۰۰۰ تن می باشد. تولید سالانه نیروی الکتریسیته نیز معادل ۹۹/۱ میلیارد کیلووات ساعت است. از جمله مهمترین معادن عربستان نیز می توان به منابع نفتی (دومین تولید کننده جهان)، گاز طبیعی، طلا، نقره، آهن، مس، نمک منگنز، سولفور، سرب و سنگ گچ اشاره نمود. ذخایر زیرزمینی نفت این کشور بالغ بر ۱۶۳/۴ میلیارد بشکه میباشد. نیروی کار کشور بالغ بر

۰۰۰،۷۰۰،۲ کارگر خارجی است که ۱۱٪ آن در صنایع وابسته به نفت، ۲۴٪ در خدمات و امور دولتی و ۴۰٪ در بخش کشاورزی مشغول به فعالیت میباشند. واحد پول کشور عربستان ریال سعودی (S.E.I.) معادل ۲۰ قروش است که هر ۳/۳۳ واحد آن معادل ۱ دلار آمریکا است. نرخ تولید ناخالص ملی بر ۱۱۶ میلیارد دلار بالغ گردیده و درآمد سرانه نیز معادل ۱۱،۵۰۰ دلار است که ۶۲٪ آن از محل درآمد صنایع و ذخایر زیرزمینی (۸۰٪ نفت و ۴٪ کشاورزی بدست میآید.

نرخ سالانه رشد تولید ناخالص ملی حدود ۱۳٪ است. واردات عربستان سعودی طی سال ۱۹۸۱ بر ۳۲ میلیارد دلار بالغ گردیده و عمدتاً بر اسلحه، وسائط نقلیه، غلات، آهن و فولاد و کارخانجات تولید نیرو مشتمل میگردد که از کشورهای ژاپن (۳/۳۰٪)، آمریکا (۳۰٪) و آلمان (۲/۱۲٪) و انگلستان (۱۰٪) وارد می گردد. صادرات این کشور نیز بر ۴۵ میلیارد دلار بالغ می گردد که عمدتاً بر نفت خام و تولیدات نفتی (۹۹٪ صادرات) مشتمل گردیده و به کشورهای ژاپن (۱۵٪)، آمریکا (۱۳٪)، فرانسه (۱۰٪) و انگلستان (۸٪) صادر می گردد. کشف نفت در عربستان سعودی طی سال های دهه ۱۹۳۰ و بهره برداری عظیم از آن پس از جنگ جهانی دوم، اقتصاد کشور را که قبلاً بر پایه کشاورزی بود تغییر داد. اقتصاد کشور عربستان شدیداً به صدور نفت وابسته بوده و درصد بالایی از کارگران خارجی را به استخدام در آورده است. بزرگترین شرکت نفتی جهان، سعودی آرمکو در این کشور واقع است. به طور کلی می توان گفت که نفت و صنایع جانبی در ثبوت صنعت و اقتصاد این کشور از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد. به دلیل شرایط مناسب آب و هوایی، سهم واردات

صنایع غذایی عربستان بالا است و این در حالیست که خرما و گندم به صورت داخلی تولید میگردد. در این کشور معادن طلا، نقره، مس، زغال سنگ و بوکسیت نیز وجود دارد. از سال ۱۹۷۰، توسعه اقتصادی کشور طی برنامه ۵ ساله صورت گرفته است. با وجود اینکه این کشور همچنان از جمله ثروتمندترین کشورهای جهان به شمار می آید، اما با این حال اقتصاد آن طی سالهای اخیر به اندازه گذشته پیشرفت نداشته است. در این کشور بودجه زیادی صرف نیروی دفاعی گردیده و برای جبران کسری بودجه برنامه هایی از جمله جایگزینی نیروی انسانی عرب با نیروی انسانی خارجی در دست اجراست .

سیستم اقتصادی

اقتصاد عربستان در قدیم بر پایه کشاورزی، دامداری و درآمدهای حاصل از زیارت حجاج از مکه و مدینه قرار داشته است. ولی هم اکنون نفت در کشور عربستان تعیین کننده و جهت دهنده حرکت های اقتصادی به شمار می آید، درآمد حاصل از آن چهره جامعه را دگرگون ساخته و عربستان را از یک کشور نیمه بدوی و فقیر به یک کشور ثروتمند و با نفوذ تبدیل کرده است. با توجه به اینکه در سالهای اخیر تقاضای جهانی نفت کاهش یافته و رکود بازار آن نقش مهم عربستان را در بازار بین المللی نفت تضعیف نموده ولی با این حال نفت همچنان حرف اول را در اقتصاد عربستان می زند. در سال ۱۹۶۲ م دولت عربستان - در زمان زمامداری فیصل - تصمیم به اجرای برنامه اصلاحی و توسعه کشور با استفاده از افزایش درآمدهای نفتی گرفت و علاوه بر توجه به بخش های صنعت و تأسیسات زیربنایی و بالا بردن سطح کشاورزی تقویت بنیه دفاعی کشور در دستور کار قرار گرفت. و

در طول سال 75 - 80 حدود ۱۴۲ میلیارد حجم هزینه های دولت پیش بینی شده و هدف دولت در این سالها بالا بردن سطح زندگی، رشد ناخالص داخلی، کاهش وابستگی به درآمد نفت، توسعه منابع طبیعی و ساخت و ترمیم زیربنای اقتصادی بود.

امور مالی

واحد پول

ریال سعودی واحد پول رایج در کشور عربستان می باشد. این واحد پول بطور کامل بوسیله طلا و سایر ارزهای بین المللی قابل تبدیل، حمایت می شود. پشتوانه پول در عربستان سعودی تا سال ۱۹۵۰ م نقره بود و پول رایج سکه ای بود که از نقره خالص ضرب می شد. در سال ۱۹۵۲ م از پشتوانه طلا و نقره در ضرب سکه ریال استفاده شد بالاخره در سال ۱۹۵۵ بعلت افزایش نرخ بین المللی نقره، دولت سعودی سکه های نقره را جمع آوری و چاپ و توزیع اسکناس را آغاز نمود. سکه های رایج شامل؛ یک، پنج، ده، بیست و پنج و پنجاه هلاله است، هر ریال برابر با بیست قروش و صد هلاله می باشد. در سال ۱۹۹۳ م یک لیره استرلینگ برابر با ۵/۸۴۶ ریال سعودی و یک دلار آمریکا برابر با ۳/۷۴۵ ریال سعودی بود. موسسه نقد عربستان در سال ۱۹۵۲ م در جده تأسیس گردید و تلاش زیادی جهت تقویت ریال نمود که آن را به عنوان یکی از ارزهای معتبر جهان معرفی نماید. بانک مرکزی با موسسه پول عربستان سعودی؛ در آوریل ۱۹۵۲ تأسیس گردید. و طائف اساسی این مؤسسه علاوه بر تثبیت و تقویت قیمتها در داخل و خارج براساس ریال سعودی، سایر موارد مهم اقتصادی و مالی مانند بررسی

طرحهای تولید و رونق بازرگانی، تأمین اعتبارات پولی و رساندن آن به میدانهای فعالیت بازرگانی، ایجاد و ذخیره منظم که بخش خصوصی را تقویت و ارزش ریال را حفظ کند، نیز می پردازد. همچنین بانک مرکزی سرپرستی این امور را بعهده دارد؛ نگاهداری موجودیهای نقدی و بکار انداختن آنها، - خرید و فروش طلا و ارزهای خارجی - سرپرستی بانکهای بازرگانی.

اقدام دیگر دولت برای اجرای سیاستهای پولی، صدور نظامنامه مراقبت بانکها در سال 1965 بود که در واقع تحول مهمی را در امور بانکداری بوجود آورد و موجب بدست گرفتن رهبری بانکها توسط دولت شد. در عربستان سیزده بانک وجود دارد که برحسب اهمیت دارای شعبات چندی در شهرهای

مختلف می باشند

بودجه و درآمد

سال مالی در عربستان سعودی از اول رجب هر سال هجری قمری آغاز می شود. بطور کلی بیش از چند سال نیست که در این کشور بودجه سالیانه تنظیم می شود و طی برنامه ای که از طرف هیأت دولت و سازمان مرکزی برنامه تعیین می گردد، به مصرف می رسد.

تولید ناخالص ملی

تولید ناخالص داخلی از ۲/۲۶ میلیارد ریال سعودی در سال ۱۹۷۱ م به ۵/۱۳ میلیارد ریال سعودی در سال ۱۹۷۶ م رسید. در سال ۱۹۷۹ م تولید ناخالص داخلی با رشد ۵/۱۱ درصد نسبت به سال ۱۹۸۷ برابر با ۵/۲۴ میلیارد ریال سعودی گردید، ولی در سال ۱۹۸۰ م تولید ناخالص داخلی با یک جهش

آرامکو سیاست بازاریابی محصولات نفتی خود را متوجه بازارهای اروپا کرده است. هم اکنون انگلستان آلمان، هلند و ایتالیا در حال تحکیم موقعیت صادراتی خود به عربستان سعودی می باشند. اگرچه ایالات متحده آمریکا مهمترین منبع واردات این کشور است. ولی پس از این کشورها و دولتهای عضو جامعه عرب مهمترین بازارهایی هستند که عربستان با آنها معامله می کند برمه و هندوستان بزرگترین صادرکنندگان برنج به عربستان بشمار می روند. این کشور گندم را از کانادا، ایالات متحده آمریکا و استرالیا وارد می کند و از انگلستان و سایر کشورهای اروپائی دارو و خریداری می نماید.

فراورده های اقتصادی

نفت

در عربستان سعودی نفت در سال ۱۹۳۸ م در الدام کشف شد. با این حال جنگ جهانی مانع توسعه این تولید نفت شد. از نیمه دهه ۱۹۴۰ م به بعد یک رشته منابع دیگر در این کشور کشف شد. تولید نفت خام سعودی توسط شرکت نفت عربستان - آمریکا آرامکو صورت می گیرد که بصورت اشتراک تحت مالکیت استاندارد اویل کالیفرنیا (۳۰ درصد)، استاندارد اویل نیوجرسی (۳۰ درصد) تگزاکو (۳۰ درصد) و موبیل (۱۰ درصد) قرار دارد. در سال ۱۹۷۱ م نفت خام از ۹ حوزه ساحلی یعنی ابقیق، ابوحدریه، بری، دمام، فاضلی، غوار، خریز، خورسانیه و القطیف و چهار حوزه دور از ساحل ابوصفه، منیفه، مرجان و سفانیه تولید می شد. بخش عمده تولیدات نفت خام عربستان از طریق

یک خط لوله از حوزه های نفتی به پایانه بزرگ نفتی در رأس تنوره منتقل می شود؛ اما مقداری از طریق خط لوله زیردریایی به بحرین حمل و در آنجا تصفیه می گردد. بخش دیگری از تولیدات نفت توسط خط لوله سراسری عربستان به ساحل مدیترانه صیدا منتقل می شود. بزرگترین پالایشگاه عربستان سعودی با ظرفیت سالانه ۱۸ میلیون تن در رأس تنوره واقع شده و در مالکیت آرامکو قرار دارد. یک پالایشگاه بسیار کوچکتر نیز توسط شرکت ملی نفت عربستان پترومین مشغول به کار می باشد این شرکت برنامه ریزی لازم برای احداث پالایشگاه دیگری در ریاض را در دست اقدام دارد. پترومین بازار داخلی تولید نفت را در دست دارد و از منافع تولید کود نیز بهره می برد. اخیرا اکتشاف در مناطق خارج از قلمرو شرکت آرامکو، توسط شرکتهای خارجی انجام می شود؛ فعالیتهای اخیر در امتداد ساحل دریای سرخ گویای آن است که احتمالا در این منطقه منابع نفت نیز وجود دارد. نظر به اینکه عربستان سعودی خط تاس زیادی با آب دریا دارد لذا بیشترین تأسیسات ساحلی را دارا می باشد. بدون شک معروفترین خط لوله در خاورمیانه خط لوله سراسری عربستان است که حوزه های نفتی عربستان را به دریای مدیترانه متصل می کند این خط لوله در سال ۱۹۵۰ م یعنی زمان احداث آن با ۱۶۰۰ کیلومتر طول و ۷۶/۲ تا ۷۸/۷ سانتی متر قطر و با وجود شش تلمبه خانه در امتداد مسیر خود، بزرگترین خط لوله جهان بود و ۸۰ میلیون پوند صرف هزینه احداث آن شد. ظرفیت اولیه این خط لوله ۱۵ میلیون تن در سال بود، اما بعدها تا ۲۵ میلیون تن در سال افزایش یافت و این مقدار نشانگر حدود یک نهم تولید جاری عربستان سعودی را شامل می شود. بطور کلی نفت این کشور در تأمین

نیازهای داخلی و صادرات آن بعنوان مهمترین منبع درآمد دارای نقش بسیار مهم و تعیین کننده می باشد.

منابع معدنی

عربستان سعودی از نظر منابع معدنی غنی می باشد ولی بهره برداری از این منابع به علت تأکید بر بخش نفت و گاز مورد غفلت قرار گرفته است. علت دیگر عدم اهتمام به منابع موجود، دور بودن محل بسیاری از آنها است. از آنجا که منابع قابل توجهی از طلا، نقره، سنگ آهن، مس، فسفات، اورانیوم، هیدروکسید آلومینیوم، ذغال سنگ، تونکستن، سرب و روی در عربستان موجود می باشد، دولت این کشور علاقمند است که اقتصاد را از اتکای به نفت دور نماید و فرصتهای شغلی دیگری را برای اتباع عربستان بهبود بخشد.

آب و کشاورزی

یکی از مشکلات کشور عربستان، مسئله کمبود آب می باشد، که این امر دولت را برای تأمین آب آشامیدنی مردم و آب قابل استفاده برای کشاورزی با مشکلاتی مواجه کرده است. قسمت اعظم خاک کشور از صحراهای شنزار و لم یزرع تشکیل شده است که به هیچ وجه قابل کشت و بهره وری نیستند. اما در سواحل دریای سرخ و خلیج فارس قسمتهائی وجود دارد که در اثر بارندگی موسمی جویبارهائی بوجود آمده و در بعضی نقاط دیگر نیز با حفر چاه زمینهائی را قابل کشت کرده اند. دولت پس از تأسیس وزارت کشاورزی و آب؛ ((وظیفه تأمین آب آشامیدنی مردم؛ آب قابل

استفاده برای کشاورزی، توسعه نواحی زیرکشت و رسیدگی به وضع کشاورزان)) را بر عهده دارد. به همین دلیل واحدهای کشاورزی متعددی تأسیس نموده که وظیفه این واحدها راهنمایی کشاورزان و دادن کود و ماشین آلات به آنها می باشد وزارت کشاورزی طرحهایی را در دست اقدام دارد که مهمترین آنها عبارتند از؛ احیای صحرای شمال، اسکان عشایر خانه بدوش، آبیاری و زه کشی در احساء، بهبود آبیاری و زه کشی در قطیف، توزیع اراضی بایر، جلوگیری از حرکت شن و ماسه در احساء و سدسازی در عربستان.

دامداری

همراه با گسترش و تنوع کشاورزی در سراسر عربستان، دامداری، شبانی دچار بحران شدیدی خواهد شد. این امر ممکن است بجز منافی که در آینده از بیشتر قسمت‌های عربستان به دست خواهد آمد بر گرایشهای سنتی و عزت نفس مردم صحرانشین و بومی نیز تأثیری عمیق داشته باشد. در شمال عربستان دامداری در اثر دو تحول بلند مدت دچار بحران شده است ((عبدالعزیز بین سعود)) به دلایل سیاسی و مذهبی، یکجانشین کردن عشایر در جوامع کشاورزی را بسیار زود - یعنی در اوایل قرن بیستم - آغاز کرد و پس از او این سیاست از سوی جانشینان وی ادامه یافت. توسعه زمینهای قابل کشت یک عامل فشار است. زیرا زمینهای کشاورزی در بخشهایی توسعه می یابد که چراگاههای مناسب وجود داشته باشد. و از این مهمتر سیاستهای دولت، در مورد کنترل عشایر باقیمانده و تأمین منابع آب دائمی برای آنان است. چراگاههای اطراف منابع آبی دائم، تا چندین کیلومتر بکلی از بین

رفته است و امروزه علوفه را باید از خارج کشور وارد کنند. همچنین چراگاههای دورتر در اثر استفاده بی رویه در معرض خطر نابودی قرار گرفته اند. زیرا انتقال آسان آب و آذوقه به وسیله کامیون و زندگی چادرنشینی صنعتی در میان بعضی گروهها این امر را تشدید می کند.

جهانگردی

جهانگردی در عربستان به سه بخش عمده تقسیم می شود :

جهانگردان داخلی

بازدید کنندگان تجاری

شرکت کنندگان در مراسم زیارت و مناسک حج

دولت عربستان سعودی از طریق وزارت حج و اوقاف کلیه امور مربوط به حجاج را سرپرستی و رسیدگی می نماید. لازم به تذکر است که اگرچه عربستان سعودی کشوری است در مراحل اولیه رشد و توسعه و در بسیاری از موارد در امور اجرایی مواجه با اشکالات است اما امور مربوط به حج و

رسیدگی بوضع حجاج را به شکل مطلوبی انجام می دهد، زیرا با توجه باینکه هر سال متجاوز از چند صد هزار نفر برای انجام مناسک حج و زیارت باین کشور سفر می کنند، در تمام شبانه روز مأمورین مربوطه ضمن آشنائی بوظایف خاص خود با دقت و سرعت در تمام مراحل موجبات تسهیل انجام مناسک حج و سایر اعمال زیارتی را جهت رفاه و آسایش حجاج فراهم می کنند. وزارت حج و

اوقاف این کشور بتدریج اقدامات لازم را برای احداث بناهای مورد احتیاج و فراهم نمودن سایر وسایل موردنیاز انجام می دهد. از جمله کارهایی که در این زمینه انجام شده تأسیس سه مرکز نمونه برای حجاج است که دو مرکز در جده و یکی در بندر ینبع واقع است. این مراکز را اصطلاحاً شهر حجاج (مدینه الحجاج) می نامند. این شهرها شامل مراکز و ساختمانهایی است که وسایل موردنیاز حجاج در آنها دایر شده است. از مراکز موجود در جده یکی در کنار فرودگاه جده و دیگری در کنار بندر جده ایجاد شده و محل اقامت حجاجی است که با هواپیما و یا کشتی مسافرت می کنند. دولت عربستان درآمد سالیانه خود را از محل عوارضی که کلیه حجاج می پردازند تأمین می کند. به این معنی که کلیه حجاج مبلغ ۸۴ ریال سعودی بابت عوارض ورود باید پردازند. علاوه بر مبلغ فوق ۳۵ ریال سعودی بابت هزینه رفت و آمد به عرفات، ۳۰۰ ریال بابت چادر، ۱۱/۲۵ ریال بابت رفت و آمد به مکه و جده ۱/۲۵ ریال بابت هزینه رفت و برگشت به مدینه با اتومبیل از کلیه حجاج دریافت می شود .

ملاحظات علمی

طی سنین ۴ تا ۶ سال کودکان عربستانی در مراکز پیش دبستانی مختلط ثبت نام می گردند و این درحالیست که درس ۶ سالگی با آغاز دوره آموزش رسمی، دختران و پسران در مدارس جداگانه به تحصیل می پردازند .

دوره آموزش ابتدایی ۶ سال، آموزش مقدماتی متوسطه ۳ سال و آموزش تکمیلی متوسطه نیز ۳ سال است. در مقطع متوسطه دانش آموزان مجاز به انتخاب رشته علمی یا هنری جهت ادامه تحصیل خود می باشند. تا سالهای دهه ۱۹۶۰، آموزش دختران در زمره آموزش غیر رسمی به شمار می آمد و این درحالیست که طی دهه ۱۹۸۰، سیستم آموزشی دختران و پسران یکنواخت شد. در حال حاضر بسیاری از زنان نیز در دانشگاه مشغول تحصیل می باشند. طبق آمار سال ۱۹۹۵، ۶۲/۸ درصد از شهروندان عربستانی از نعمت سواد برخوردار می باشند. طبق آمار سال ۱۹۹۴، جمعیت بی سواد ۱۵ سال و بالاتر کشور بر ۲۸۸۰۵۶۲ نفر (درصد ۲۹/۲ کل جمعیت (بالغ می گردد. تحصیلات در عربستان سعودی از نظر جنسیت مجزا بوده و به سه سیستم اداری تحصیلات عمومی پسران، تحصیلات دختران و تحصیلات اسلامی سنتی (برای پسران) تقسیم می گردد. وزارت آموزش که در سال ۱۹۵۲ تأسیس شد، بر تحصیلات عمومی پسران نظارت داشته و تحصیلات دختران تحت نظارت نهاد عمومی نظارت بر تحصیلات دختران است. هر دو جنس دوره تحصیلی مشابهی را گذرانده و از امتحانات سالیانه مشابهی برخوردارند. تحصیلات اسلامی پسران افرادی را برای پیوستن به جامعه علماء (واعظین مذهبی) تربیت می کنند. دوره تحصیلی مدارس سطح دوم مذهبی شامل دوره تحصیلی مدارس عمومی آکادمیک سطح دوم است که به طور عمده بر تعلیمات عربی و اسلامی تأکید می نمایند. مدارس مذهبی سطح دوم تحت سرپرستی دانشگاه اسلامی «امام محمد بن سعود» و دانشگاه اسلامی «مدینه» اداره می گردند. پس از مدارس سطح دوم امکان تحصیل در مؤسسات مذهبی تحصیلات سطوح بالاتر به موازات سیستم غیر دینی، وجود دارد. تأسیس مدارس غیردینی الگو گرفته از غرب پس از جنگ جهانی

دوم، سیستم سنتی تحصیلات اسلامی راست کرد. هر چند قسمت عمده ای از تحصیلات نوین نیز به مذهب اختصاص یافته است، به خصوص حفظ قرآن، تفسیر و ادراک قرآن و روش کاربرد سنت اسلام در زندگی روزمره مورد تأکید قرار دارد. علوم دینی در سطح دانشگاهی نیز در کنار سایر مطالب تدریس گردیده و برای کلیه دانش آموزان الزامی است. بسیاری از مردم عربستان سعودی بیسواد هستند. و دولت در راه مبارزه با بیسوادی و بالا بردن سطح تعلیم و تربیت با مشکلات زیادی مواجه است و باید با جدیت تمام باید که در این راه بکوشد. مشکل مهمی که دولت در راه باسواد نمودن مردم دارد، نداشتن معلم است که هر سال بناچار تعداد آموزگار و دبیر از کشورهای عربی دیگر استخدا می نماید. از جمله مشکلات دیگر این کشور پراکندگی جمعیت، زندگی عشیره ای، کوچ نشینی و همچنین عامل مذهب را می توان ذکر نمود، زیرا هنوز بسیاری از مردم این کشور با داشتن تعصبات مذهبی غلط خود مانع بزرگی در راه پیشرفت فرهنگ و آموزش هستند. با این تفاسیر دولت در ظرف چند سال اخیر سعی نموده است بتدریج در راه گسترش فرهنگ و باسواد کردن مردم که شاید تعداد بیسوادان آنها بیش از سایر کشورهای جهان باشد، اقداماتی بنماید. به همین جهت با تأسیس آموزشگاههای شبانه که مدت تحصیل در آنها چهار سال است و به دو دوره تقسیم می شود قدم مؤثری در این راه برداشته است. لازم بذکر است که میزان باسوادی در میان بزرگسالان در این کشور ۶۳ درصد می باشد

نرخ ثبت نام ناخالص بنا به سطوح مختلف آموزشی طی سال ۱۹۹۶

پیش دبستانی : ۸ درصد

اولین سطح : ۷۶ درصد

دومین سطح : ۶۱ درصد

سومین سطح : ۱۶/۳ درصد